

متن پرسش

سلام استاد گرامی ببخشید مزاحم وقتتون میشم: خیلی گلیه دارم از نفس سرکشم؛ از بداخلاقی هام؛ استاد من یک خانم چرا نمیتونم لطیف باشم؟!؛ استاد با اینکه زندگی آرومی داشتم و واقعا خوشبخت، جدیداً خیلی کم حوصله و کم صبر هم شدم و همش تو خونه ما جر و بحث و دعواست. استاد چرا نمیتونم همسر رو درک کنم یا گاهی ایشون درکم کنن؟!؛ چرا زندگی اطرافیان من اینقدر تجملاتی شده که منم می‌خوام کمی شبیه اونها بشم؟ واقعا من برای خونه وسایل بخرم هی باید سوال کنم اجازه هست اجازه نیست؟ اختیارمون تو زندگی چیه؟ چرا مردها ما رو کم عقل میخونن؟ چرا یه چهار تا کتاب میخونن فکر میکنن هرچی میگن درسته؟ استاد من از طلبه بودن خودم خسته شدم از این که همسرم درسهای شما رو گوش میده خسته شدم؛ از زندگی خسته شدم اگر واقعا پشت و پناهی داشتم این زندگی رو تمام می‌کردم. تو عالم چه خبره که من درکش نمی‌کنم؟ چه اتفاقی داره میفته که من آرامش ندارم؟ استاد خیلی مضطربم، دلم تنگه یه زیارته، یه گریه درست حسابی ولی ارزش محروم چون یه زنم نمیتونم اختیار صحبت داشته باشم چون آدم خوبی نیستم از نظر همسر. آخه امام با من گناهکار چیکار داره؟ دلم برای به ظاهر مذهبی بودنمون میسوزه. دلم دنبال یه آرامش خاصه که آروم بشم. استاد فقط می‌خوام به آقایون بفرمایید حرفهایی که به ما میزنن فراموش میشه ولی قلب‌های که شکسته میشه دیگه جمع کردنی نیست. دعامون کنید عاقبت به خیر بشیم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: سیره‌ی رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» در مورد زنان آن بود که در عین رعایت همه‌ی انسان‌ها، طوری با همسران خود برخورد می‌کردند که بعضاً می‌گفتند پیامبر خدا، زنان را لوس کرده‌اند. قرآن ما را متوجه‌ی روح انسان‌هایی می‌کند که در مسیر رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» هستند و می‌فرماید این افراد «رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» بین خود در راستای معیت با پیامبر خدا برخورد صمیمی و با صفا دارند، چرا ما نتوانیم همدیگر را تحمل کنیم تا در جهان و در افقی حاضر شویم که رسول خدا حاضر بودند؟ موفق باشید